

**Legal Remedies for Third-Party Claims to the Subject Matter of Sale
under Iranian Legal System and the 1980 Vienna Convention on
International Sale of Goods**

Ali Zareshahi¹

Received: 21 May 2025

Seyed Mostafa Mohaghegh Damad²

Reception: 9 June 2025

Seyed Mohammad Sadeq Mousavi³

Abstract

In contractual relations arising from sales, one of the significant and contentious challenges is the assertion of third-party claims to the subject matter of the sale—claims that may take the form of ownership or other real rights, thereby disrupting the buyer's use and enjoyment and potentially breaching the seller's obligations. This article, employing an analytical-comparative approach, examines the legal remedies available in response to third-party claims under the Iranian legal system and the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG, 1980, Vienna). Under Iranian law, pursuant to Articles 391 and 392 of the Civil Code, if the subject matter of the sale belongs to a third party or if a third party asserts a claim over it that is subsequently substantiated, the buyer is entitled to rescind the contract or claim a price reduction (arsh). Conversely, Articles 41 and 42 of the CISG explicitly require the seller to deliver goods free from any right or claim of a third party. Nonetheless, differences exist between the two systems regarding the scope of third-party claims, the seller's knowledge of such claims, and the buyer's right to rely on them. This article aims to analyze these legal remedies, explore the commonalities and divergences between the two legal systems, and propose measures to enhance the effectiveness of buyer protection in similar scenarios. The findings suggest that the CISG adopts a more explicit and structured approach in favor of the buyer, while Iranian law places greater emphasis on general principles of contractual liability and the obligation to deliver the goods. The article concludes with recommendations for reforming domestic legislation to align more closely with international standards.

Keywords: International Sale of Goods, Third-Party Claim, Subject Matter of Sale, Vienna Convention, Contract Termination, Legal Remedy, Iranian Law

¹PhD Student, Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran

²Professor, Department of Law, Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

³Associate Professor, Department of Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.525306.1287>

ضمانت اجرای حقوقی ادعای ثالث نسبت به مبیع در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا-وین ۱۹۸۰

علی زارعشاهی^۱ ID تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

سید مصطفی محقق داماد^۲ ID تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

سید محمد صادق موسوی^۳ ID

چکیده

در روابط قراردادی ناشی از بیع، یکی از چالش‌های مهم و مناقشه‌برانگیز، ادعای اشخاص ثالث نسبت به مبیع است؛ ادعایی که ممکن است به شکل دعوی مالکیت یا حق دیگر عینی، سبب اختلال در انتفاع خریدار و نقض تعهدات فروشنده گردد. این مقاله با روش تحلیلی-تطبیقی به بررسی ضمانت اجرای حقوقی ادعای ثالث نسبت به مبیع در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) می‌پردازد. در حقوق ایران، بر اساس مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ قانون مدنی، در صورتی که مبیع متعلق به غیر باشد یا ثالث بر آن ادعایی داشته باشد که اثبات گردد، خریدار حق فسخ یا مطالبه ارش را دارد. در مقابل، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مواد ۴۱ و ۴۲ به صراحت فروشنده را مکلف می‌کند که مبیع را عاری از هرگونه حق یا ادعای ثالث تسلیم نماید. اما در تعیین مصادیق ادعا، میزان اطلاع فروشنده، و امکان استناد خریدار به آن، تفاوت‌هایی میان دو نظام حقوقی وجود دارد. هدف این مقاله آن است که با تحلیل ضمانت اجرای اجرای مذکور، به بررسی نقاط اشتراک و افتراق دو نظام پرداخته و راهکارهایی برای بهبود کارآمدی حمایت از خریدار در موارد مشابه ارائه دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کنوانسیون در جهت حمایت از خریدار، دیدگاهی صریح‌تر و ساختارمندتر دارد؛ در حالی که حقوق ایران بیشتر بر قواعد کلی مسئولیت قراردادی و تعهد به تسلیم مبیع متمرکز است. در انتهای مقاله پیشنهاداتی در راستای اصلاح مقررات داخلی و هم‌سویی با قواعد بین‌المللی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: بیع بین‌المللی، ادعای ثالث، مبیع، کنوانسیون وین، فسخ قرارداد، ضمانت اجرا، حقوق ایران

^۱دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

^۲استاد گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳دانشیار گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

بیع به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی، همواره در کانون توجه مباحث حقوق مدنی، تجارت و حقوق بین‌الملل خصوصی قرار داشته است. به‌ویژه در دنیای امروز که تعاملات تجاری بین‌المللی گسترش یافته و مرزهای سنتی دادوستد در حال فروریختن هستند، قراردادهای بیع به مثابه ابزاری اساسی برای تسهیل جریان کالا و خدمات میان کشورها ایفای نقش می‌کنند. با این حال، تحقق اهداف این قراردادها در گرو رعایت الزامات اساسی از سوی طرفین، از جمله تسلیم مال مورد معامله بدون معارض و عاری از حقوق ثالث است.

یکی از چالش‌های اساسی که می‌تواند تمام یا بخشی از انتفاع خریدار از مبیع را با مشکل مواجه سازد، ادعای اشخاص ثالث نسبت به مبیع است. این ادعاها ممکن است مبتنی بر مالکیت، حق عینی نظیر رهن یا حق انتفاع، یا حتی حقوق فکری و معنوی نسبت به کالای فروخته‌شده باشد. در این میان، تعهد فروشنده به تسلیم مبیع بدون معارض از جمله وظایف بنیادین وی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی بین‌المللی تلقی می‌شود. بی‌توجهی به این تعهد، ممکن است به نقض قرارداد، تحقق فسخ، استرداد ثمن، مطالبه خسارات یا حتی دعاوی کیفری بینجامد. در نظام حقوقی ایران، با تکیه بر فقه امامیه، تسلیم مبیع همراه با استحقاق غیر و ادعای ثالث، نه تنها مسئولیت مدنی بلکه در مواردی ضمان ید و احکام غصب را در پی دارد. مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص به این موضوع پرداخته و در صورت اثبات ادعای ثالث، خریدار را مستحق اعمال فسخ یا مطالبه ارزش دانسته است. در حقوق بین‌الملل نیز کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین، به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه بیع کالا میان کشورها، در مواد ۴۱ و ۴۲ فروشنده را موظف نموده که کالای فروخته‌شده را بدون هیچ‌گونه حق یا ادعای ثالث تسلیم نماید، مگر در صورتی که خریدار از آن ادعا مطلع و آن را پذیرفته باشد.

با این وجود، در عمل، بسیاری از دعاوی مطرح‌شده در محاکم داخلی و داوری‌های بین‌المللی گویای آن است که تفسیر، اعمال و اجرای این تعهد با ابهامات و چالش‌هایی همراه است. از جمله، اینکه: معیار ادعا چیست؟ آیا صرف طرح دعوی کافی است یا باید منجر به اثبات شود؟ آیا فروشنده از

ادعا مطلع بوده؟ نقش آگاهی یا ناآگاهی خریدار چیست؟ چه تفاوت‌هایی در برخورد نظام‌های حقوقی ایران و کنوانسیون وین در این زمینه وجود دارد؟ و مهم‌تر از آن، کدام نظام، حمایت مؤثرتری از خریدار به عمل می‌آورد؟

پرسش اساسی این پژوهش آن است که: ضمانت اجرای حقوقی ادعای ثالث نسبت به مبیع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا چه تفاوت‌هایی دارد و کدام یک از این دو نظام، سازوکار حمایتی کارآمدتری را در برابر خریدار ارائه می‌کند؟

هدف این مقاله، تحلیل تطبیقی مفاد مرتبط با تعهد فروشنده نسبت به ادعای ثالث در دو نظام حقوقی ایران و کنوانسیون وین است. این تحلیل با رویکردی انتقادی، به بررسی مبانی فقهی و حقوقی، بررسی آرای دکترین، رویه قضایی و دیدگاه‌های تفسیری می‌پردازد. همچنین، تلاش می‌شود خلأهای موجود در نظام حقوقی ایران شناسایی شده و راهکارهایی در جهت بهبود قوانین داخلی و تقویت جایگاه خریدار در برابر ادعاهای ثالث ارائه گردد. علت انتخاب این موضوع، ضرورت همگامی حقوق داخلی با استانداردهای بین‌المللی، افزایش دعاوی ناشی از تداخل حقوق ثالث با حقوق خریداران و خلأ پژوهشی موجود در ادبیات حقوقی ایران در زمینه تطبیق مقررات داخلی با کنوانسیون بیع کالا است. افزون بر این، بررسی دقیق‌تر ادعای ثالث در بسترهای نوین مانند فروش کالاهای دارای مالکیت فکری یا دارایی‌های دیجیتال نیز اهمیت روزافزون یافته که این مقاله کوشیده است به آن بپردازد.

ضمانت اجرای حقوقی ادعای ثالث نسبت به مبیع

یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی در قلمرو قراردادهای بیع، تحقق تعهد اصلی فروشنده در انتقال مالکیت و تسلیم مبیع بی‌مانع است. بیع، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال پویاترین نهادهای حقوقی در تعاملات اقتصادی، نه تنها یک توافق دوجانبه برای انتقال کالا در برابر عوض مالی (ثمن) است، بلکه ساختاری بنیادین برای تضمین منافع اقتصادی طرفین قرارداد به‌شمار می‌آید. در این میان، یکی از مسائل مهمی که این تعادل قراردادی را برهم می‌زند، طرح ادعای شخص ثالث نسبت به موضوع مبیع است؛ یعنی حالتی که شخصی غیر از طرفین قرارداد، مدعی حقی (اعم از مالکیت، رهن، حق انتفاع، یا حقوق فکری) نسبت به مال موضوع معامله

گردد. در حقوق ایران، اگرچه مباحثی چون فروش مال غیر، بیع فضولی، و مفهوم «استحقاق» مورد توجه قانون‌گذار و فقه اسلامی بوده است، اما پیوند ساختاری و منسجم میان این مفاهیم با نهادهای تعهدات قراردادی، مسئولیت مدنی و حمایت از خریدار حسن‌نیت هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است. از طرفی، در سطح بین‌المللی و به‌ویژه در قالب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین، تلاش شده است تا ضمن حفظ اصول عمومی حاکم بر روابط قراردادی، حمایت مؤثری از خریدار در برابر نقض این نوع تعهدات صورت گیرد. با توجه به گسترش تجارت فرامرزی و نفوذ روزافزون استانداردهای حقوقی بین‌المللی، شناخت دقیق تفاوت‌ها و شباهت‌های میان رویکردهای داخلی و بین‌المللی در این حوزه از اهمیت اساسی برخوردار است.

الف) ادعای ثالث بر مبیع: مفهومی چندلایه

ادعای ثالث در قرارداد بیع، زمانی مصداق می‌یابد که شخصی غیر از خریدار و فروشنده، نسبت به تمام یا بخشی از مال موضوع قرارداد، مدعی حقی باشد که با حق خریدار در تعارض قرار گیرد. این ادعا ممکن است مربوط به:

- مالکیت مطلق مال (به‌ویژه در مورد اموال غیرمنقول یا منقول دارای سابقه ثبت مانند خودرو)،
- حقوق عینی محدود مانند حق ارتفاق، رهن، یا حق انتفاع،
- حقوق فکری یا مالکیت معنوی در مورد کالاهای فنی یا دارای علامت تجاری،
- یا حتی حقوق قراردادی (مثلاً وعده بیع قبلی به غیر)،

باشد. نکته مهم آن است که ادعای ثالث، صرف‌نظر از این‌که در نهایت در محاکم به نتیجه برسد یا خیر، به‌محض ایجاد تردید در مالکیت یا استفاده مشروع خریدار از مبیع، آثار حقوقی و اقتصادی مهمی را در پی دارد. خریدار ممکن است به‌دلیل طرح چنین ادعایی نتواند از مبیع بهره‌برداری کند، آن را به ثالث منتقل نماید، یا حتی با خطر توقیف یا بطلان قرارداد مواجه شود. بنابراین، تضمین «تسلیم مال سالم و بدون مزاحمت» یکی از

بنیادین‌ترین تعهدات فروشنده به‌شمار می‌آید که در هر نظام حقوقی باید ضمانت اجرایی روشن و منسجمی برای آن پیش‌بینی شده باشد.

ب) موقعیت خریدار در برابر ادعای ثالث

در مواجهه با طرح چنین ادعایی، خریدار ممکن است دچار خسارات مالی، حیثیتی، یا حتی حقوقی گسترده‌ای شود. خریدار در زمان انعقاد قرارداد با این فرض وارد معامله می‌شود که فروشنده مالک کالا یا حداقل دارای اختیار قانونی برای انتقال آن است. اصل «اعتماد مشروع» که امروزه در نظام‌های حقوقی مدرن به‌عنوان یکی از ارکان حمایت از خریدار شناخته می‌شود، مستلزم آن است که چنانچه این اعتماد خدشه‌دار گردد، نظام حقوقی تدابیر حمایتی مؤثری را در نظر بگیرد. در حقوق ایران، اگرچه مواد ۳۹۱، ۳۹۲، و ۲۶۳ قانون مدنی به‌نحوه کلی به استحقاق ثالث و مسئولیت فروشنده در برابر آن پرداخته‌اند، اما این مواد بیشتر در قالب سستی خود باقی مانده و پاسخ‌گوی مسائل پیچیده‌تری که در فضای نوین تجارت مطرح می‌شوند، نیستند. برای مثال، این قوانین تفاوت میان «ادعا» و «حق قطعی» را به‌روشنی روشن نمی‌کنند. از سویی دیگر، دامنه تعهد فروشنده به تحویل مبیع بدون مزاحمت یا عیب حقوقی، در قالب محدود خیار فسخ یا مطالبه ارزش محصور شده و راهکارهای جامع‌تری مانند مطالبه خسارت مازاد، الزام به رفع مانع، یا جبران فرصت از دست رفته به‌ندرت در رویه قضایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ج) اهمیت شفاف‌سازی تعهدات فروشنده

در هر نظام حقوقی پیشرفته، تعهدات فروشنده باید با چنان شفافیتی تدوین شود که زمینه هرگونه تردید یا سوءاستفاده را از میان بردارد. این امر نه‌تنها به سود خریدار، بلکه به نفع خود فروشنده نیز هست؛ چراکه موجب ارتقاء اعتبار تجاری، کاهش ریسک‌های قراردادی، و افزایش شفافیت حقوقی در فرایندهای معاملات می‌شود. در این راستا، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با وضع موادی همچون ۴۱ و ۴۲، تعهد فروشنده را به تسلیم کالایی که عاری از حقوق یا ادعاهای اشخاص ثالث باشد، به‌صراحت بیان کرده و در ادامه، ضمانت‌اجراهای متنوع و متناسبی برای نقض این تعهد مقرر داشته است. نکته مهم در رویکرد کنوانسیون آن است که صرف وجود ادعای «معقول و جدی» از سوی ثالث، کافی است تا مسئولیت فروشنده را فعال سازد، بدون

آنکه نیاز به اثبات نهایی حقانیت آن ادعا از سوی خریدار باشد. این نگاه، در راستای اصل «پیشگیری از خسارت» و حمایت از اعتماد مشروع خریدار شکل گرفته است.

د) ضعف‌های تقنینی در حقوق ایران

نظام حقوقی ایران، اگرچه در قالب مباحث بیع فضولی و ضمان درک، به موضوع فروش مال غیر و ادعای ثالث پرداخته است، اما از چند جهت نیازمند بازنگری است:

✓ نخست، تفکیک میان ادعای صرف و اثبات حق قطعی باید در قوانین یا تفسیرهای مشورتی مشخص گردد

✓ دوم، دامنه مسئولیت فروشنده در مقابل خریدار باید فراتر از خیار فسخ یا ارش توسعه یافته و جبران تمامی زیان‌های محتمل از قبیل خسارت تأخیر، کاهش اعتبار تجاری خریدار، یا هزینه‌های حقوقی را نیز در بر گیرد

✓ سوم، وضعیت خریدار حسن نیت در برابر ادعای ثالث باید به صورت روشن و با معیارهای عینی در قوانین تبیین شود

✓ چهارم، در حوزه اموال فکری و حقوق معنوی، لازم است قواعدی تخصصی‌تر برای حمایت از خریدار در برابر نقض مالکیت فکری اشخاص ثالث تدوین گردد

ه) اهمیت هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی

با توجه به گسترش روزافزون تجارت بین‌المللی و حضور فعال شرکت‌های ایرانی در بازارهای فرامرزی، تطبیق ساختار حقوقی ایران با استانداردهای بین‌المللی از جمله CISG، نه تنها ضرورتی حقوقی، بلکه ضرورتی اقتصادی و سیاسی است. این هماهنگی موجب جذب سرمایه‌گذاری، افزایش اعتماد متقابل میان تجار، کاهش دعاوی ناشی از ابهام‌های قانونی، و در نهایت ارتقاء موقعیت ایران در شاخص‌های جهانی «سهولت در کسب‌وکار» خواهد شد. از آنجا که ایران تاکنون به کنوانسیون وین نپیوسته است، اصلاحات داخلی در حقوق قراردادها (مخصوصاً در حوزه بیع)، می‌تواند با استفاده از مفاهیم مترقی مندرج در کنوانسیون، زمینه‌ساز انطباق تدریجی نظام حقوقی

ایران با الزامات تجارت جهانی گردد. با توجه به نکات پیش گفته، ورود به بحث و بررسی تفصیلی در خصوص ضمانت اجرای حقوقی ادعای ثالث نسبت به مبیع، ضرورتی نظری و عملی است. تحلیل تطبیقی میان حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، نه تنها در روشن‌سازی نقاط قوت و ضعف مقررات داخلی مؤثر است، بلکه امکان ارائه پیشنهادهای اصلاحی واقع‌بینانه و کارآمد را نیز فراهم می‌آورد. در ادامه، تلاش می‌شود با تمرکز بر محورهای اصلی شامل مبانی نظری، مسئولیت فروشنده، وضعیت خریدار حسن‌نیت، و تحلیل تطبیقی، به بررسی عمیق این پدیده و ارائه چارچوبی برای اصلاح حقوقی آن پرداخته شود.

بحث و بررسی

در این بخش، به تفصیل چهار محور اصلی تحلیل تطبیقی ضمانت اجرای ادعای ثالث نسبت به مبیع در دو نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• مبانی و مفاهیم نظری

ادعای ثالث در حقوق بیع به معنای آن است که شخصی غیر از خریدار و فروشنده نسبت به تمام یا بخشی از مبیع، مدعی حقی گردد. این حق می‌تواند حق مالکیت، حق انتفاع، حق رهن یا حتی حقوق فکری و معنوی باشد. آنچه اهمیت دارد این است که چنین ادعایی می‌تواند موجب اخلال در حق انتفاع یا تصرف خریدار در مبیع گردد و در نتیجه تعهد فروشنده به تسلیم کامل و بدون معارض را نقض کند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۱۰).

در حقوق ایران، این تعهد تحت عنوان «تسلیم مبیع به نحو مشروع» مورد تأکید قرار گرفته و با توجه به مبانی فقهی چون «اصل لزوم تسلیم مال بدون منازع» و «ید ضامن ما یتلف» توجیه می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۱۰). در کنوانسیون وین نیز این تعهد در مواد ۴۱ و ۴۲ با زبانی روشن و الزام‌آور تصریح شده است. وجه تمایز مهم در این است که کنوانسیون به اطلاع قبلی خریدار و حدود مسئولیت فروشنده توجه ویژه‌ای دارد. در حقوق ایران مطابق ماده ۳۹۱ قانون مدنی، در صورتی که مبیع متعلق به غیر باشد، خریدار می‌تواند معامله را فسخ نماید یا ارش بگیرد. طبق فقه، حتی اگر خریدار جاهل به استحقاق غیر بوده باشد، همچنان می‌تواند اعمال حق نماید. اما اگر

آگاه باشد، برخی فقها قائل به سقوط خیار شده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۹۰). در کنوانسیون وین، ماده ۴۱ کنوانسیون، فروشنده را ملزم می‌سازد که کالا را عاری از هرگونه حق یا ادعای ثالث تسلیم نماید. ماده ۴۲ نیز به‌طور خاص به حقوق مالکیت فکری اختصاص دارد. نکته مهم در اینجا، استثنائاتی است که در صورت آگاهی خریدار یا توافق طرفین، تعهد فروشنده کاهش می‌یابد. این انعطاف‌پذیری، تفاوت مهمی با دیدگاه حقوق ایران دارد.

شرط اطلاع و رضایت خریدار در هر دو نظام، اصل بر تعهد فروشنده به تسلیم کالا بدون معارض است. با این حال، اگر خریدار با علم به وجود ادعای ثالث اقدام به خرید نماید، در کنوانسیون وین (ماده ۴۲ بند ۲)، فروشنده مسئول نخواهد بود. اما در حقوق ایران، بسته به مبانی فقهی و تفاسیر مختلف، گاهی مسئولیت همچنان باقی می‌ماند. در حقوق ایران مطابق ماده ۳۹۲ قانون مدنی، در صورت اثبات حق ثالث، خریدار می‌تواند فسخ نماید یا ارزش دریافت کند. ضمانت‌پذیری نیز در مواردی که فروشنده عالم به استحقاق غیر بوده باشد، مطرح می‌شود. علاوه بر این، مسئولیت مدنی فروشنده به استناد قواعد عام نیز قابل اعمال است. در برخی رویه‌ها، حتی بحث خیانت در امانت و جرایم کیفری نیز مطرح شده است (صفایی، ۱۳۹۳: ۲۸۰).

در کنوانسیون وین، کنوانسیون بیع بین‌المللی، در صورت نقض ماده ۴۱ یا ۴۲، به خریدار اجازه می‌دهد از ضمانت‌های مقرر در مواد ۴۵ تا ۵۲ بهره‌مند شود. این ضمانت‌ها شامل: الزام به اجرا، فسخ، کاهش ثمن، جبران خسارت و تعلیق اجرای تعهدات می‌باشد. رویکرد این کنوانسیون بر اساس انتخاب خریدار و اصل جبران کامل ضرر است (Schlechtriem & Schwenzner, 2016: 650). در حالیکه حقوق ایران بیشتر بر فسخ و ارزش تأکید دارد، کنوانسیون رویکرد متنوع‌تری اتخاذ کرده و به خریدار امکان انتخاب می‌دهد. به‌علاوه، در کنوانسیون، ملاک اطلاع یا ناآگاهی خریدار و فروشنده دقیق‌تر تعریف شده و همین امر موجب افزایش شفافیت در دادرسی‌ها می‌گردد.

• رویه قضایی و راهکارهای اصلاحی

رویه قضایی در ایران در برخی آراء محاکم، حتی در صورت ادعای صرف ثالث (بدون اثبات)، دادگاه حکم به عدم الزام فروشنده صادر نموده است. در حالیکه معیار قانونی، اثبات استحقاق ثالث است. این رویه نشان از عدم

وحدت برداشت در محاکم دارد. همچنین، در مواردی که فروشنده با حسن نیت اقدام به فروش نموده ولی ملک متعلق به دیگری بوده، مسئول شناخته شده است (رای وحدت رویه شماره ۶۲۰ دیوان عالی کشور). در داوری‌های بین‌المللی مبتنی بر کنوانسیون، ادعای ثالث تنها زمانی واجد اثر است که بر مبنای سند یا حکم معتبر باشد. برخی آراء داوری نیز توجه خاصی به اطلاع قبلی خریدار داشته‌اند و در صورت علم وی به وضعیت مبیع، خریدار را فاقد حق فسخ دانسته‌اند. در ادامه تعدادی پیشنهاد اصلاحی ارائه شده است.

• بازنگاری در مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ قانون مدنی و افزودن شرط آگاهی

خریدار از وجود معارض

مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ قانون مدنی ایران از جمله مقررات بنیادینی هستند که مسئولیت فروشنده را در قبال تسلیم مبیع متعلق به غیر و حقوق ثالث تبیین می‌کنند. مطابق ماده ۳۹۱، در صورتی که مبیع کلاً یا جزئاً متعلق به دیگری باشد، خریدار حق فسخ معامله یا دریافت ارزش را دارد. ماده ۳۹۲ نیز به مواردی اشاره دارد که در آن خریدار می‌تواند با اثبات حق ثالث، از حقوق قانونی خود بهره‌مند شود. با این حال، این دو ماده به شکل صریح و روشن به وضعیت «آگاهی یا ناآگاهی خریدار» از وجود ادعای ثالث یا تعارض حقوقی نپرداخته‌اند. همین خلأ حقوقی در عمل منجر به تشتت آراء محاکم و تفسیرهای ناهماهنگ از مفهوم تعهدات قراردادی فروشنده شده است. در فقه اسلامی، برخی فقها قائل‌اند که اگر خریدار با علم به وجود معارض مبادرت به عقد بیع کند، دیگر نمی‌تواند به حق فسخ استناد نماید؛ چرا که این اقدام به نوعی پذیرش ریسک حقوقی است که خریدار با آگاهی خود بر آن صحنه گذاشته است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۲، ۹۰). با این حال، قانون مدنی در مواد مزبور این تفکیک را لحاظ نکرده و حقوق خریدار را مطلقاً محفوظ دانسته، خواه آگاه به وجود معارض باشد یا نباشد.

از سوی دیگر، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (ماده ۴۲ بند ۲ الف) به روشنی تصریح می‌کند که فروشنده مسئول نخواهد بود اگر در زمان انعقاد قرارداد، خریدار از حق یا ادعای ثالث مطلع بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد. این رویکرد کنوانسیون با منطق عقلانی قراردادهای معاصر و اصل حسن‌نیت در تعاملات تجاری سازگار است. پذیرش این معیار موجب جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی خریداران می‌گردد و فروشنده را از مسئولیت‌هایی که از کنترل وی خارج بوده‌اند، رهایی می‌دهد. لذا پیشنهاد می‌شود که مواد ۳۹۱ و

۳۹۲ قانون مدنی با الحاق بند یا تبصره‌ای جدید، تکلیف حقوقی خریدار آگاه به وجود معارض را مشخص کنند. این تبصره می‌تواند بیان کند: در صورتیکه خریدار در زمان انعقاد عقد از وجود حق یا ادعای ثالث نسبت به مبیع آگاه باشد و با این حال عقد را منعقد کند، حق فسخ یا مطالبه ارزش از وی ساقط خواهد شد، مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد.

این اصلاح در چهارچوب تعادل قراردادی، اصل انصاف و جلوگیری از اطاله دادرسی‌ها، گامی مؤثر خواهد بود. همچنین، موجب انطباق نسبی قانون مدنی ایران با استانداردهای بین‌المللی و اصول مندرج در کنوانسیون وین خواهد شد و اعتماد طرفین به امنیت حقوقی در مبادلات را افزایش می‌دهد. در نهایت، بازنگری در این مواد نه تنها یک ضرورت تقنینی است، بلکه تفسیر دقیق‌تر از مسئولیت‌های فروشنده و حدود حمایت از خریدار را نیز به همراه خواهد داشت؛ به‌ویژه در پرونده‌هایی که موضوع بیع با عناصر بین‌المللی یا اشخاص حقوقی خارجی مرتبط است. اجرای چنین اصلاحی به ارتقای نظام حقوقی ایران در تعامل با جامعه بین‌المللی نیز یاری خواهد رساند.

• الحاق مقررات مربوط به حقوق فکری و مالکیت معنوی به قانون مدنی یا قانون تجارت

با گسترش روزافزون تجارت الکترونیکی، جهانی شدن مبادلات تجاری و افزایش حجم کالاهای مبتنی بر فناوری و نوآوری، اهمیت حقوق فکری و مالکیت معنوی در قراردادهای بیع به شکلی بی‌سابقه افزایش یافته است. امروزه بخش قابل توجهی از کالاهای مورد معامله در عرصه بین‌المللی نه فقط دارای ارزش مادی، بلکه واجد ارزش فکری و معنوی‌اند؛ مانند نرم‌افزارها، محصولات دارویی دارای پتنت، علائم تجاری، آثار هنری، طرح‌های صنعتی و اسرار تجاری. با این حال، در نظام حقوقی ایران، مقررات مربوط به مالکیت فکری همچنان در وضعیت پراکنده، ناقص و غیرشفاف باقی مانده و بیشتر جنبه حقوق عمومی و کیفری دارند تا جنبه حقوق خصوصی و قراردادی. در این شرایط، الحاق مقررات مشخص و جامع در زمینه حقوق فکری و مالکیت معنوی به یکی از دو قانون اصلی تنظیم‌کننده روابط خصوصی، یعنی قانون مدنی یا قانون تجارت، ضرورتی انکارناپذیر است. این اقدام چند هدف مهم را دنبال می‌کند:

نخست؛ شفاف‌سازی وظایف و تعهدات طرفین معامله در خصوص تضمین عدم تعرض به حقوق فکری ثالث. به‌طور مثال، اگر فروشنده‌ای یک نرم‌افزار را به خریدار واگذار نماید، اما مشخص شود که آن نرم‌افزار ناقض حق تکثیر یک شرکت ثالث است، این وضعیت معادل تحویل کالای معیوب یا متعلق به غیر خواهد بود و باید مشمول ضمانت اجراهای مناسب گردد.

دوم؛ پر کردن خلأ تقنینی در قراردادهایی که موضوع آن‌ها صرفاً حقوق فکری هستند؛ مانند قراردادهای لیسانس، فرنچایز، یا انتقال حق اختراع. در وضعیت فعلی، قاضی ناچار است به قواعد عام حقوق مدنی و مسئولیت مدنی استناد کند که دقت و کفایت لازم را ندارند.

سوم؛ تطبیق و هماهنگی بیشتر نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (ماده ۴۲)، موافقت‌نامه تریپس^۱ و کنوانسیون‌های جهانی مالکیت فکری سازمان جهانی مالکیت معنوی^۲. بسیاری از این اسناد کشورهای عضو را ملزم به اتخاذ تدابیر قانونی داخلی برای حمایت از دارندگان حقوق فکری می‌کنند؛ امری که در ایران به شکل نظام‌مند انجام نشده است.

چهارم؛ افزایش امنیت حقوقی برای طرفین قرارداد و تسهیل حل و فصل اختلافات احتمالی. وجود مقررات دقیق در باب ضمانت تسلیم کالای عاری از تعارض فکری یا ادعای ثالث، می‌تواند احتمال اختلاف، دعوی و ابطال قراردادها را کاهش دهد. از سوی دیگر، این مقررات باید تکلیف اطلاع فروشنده از وجود حق ثالث را نیز تعیین کنند، به‌ویژه در شرایطی که فروشنده آگاه به وجود نقض پتنت یا علامت تجاری بوده ولی آن را افشا نکرده است.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود فصل مستقلی تحت عنوان «حقوق فکری و ضمانت اجرای تعارضات فکری در بیع» به قانون مدنی یا قانون تجارت افزوده شود. این فصل می‌تواند مشتمل بر اصولی همچون لزوم اطلاع‌رسانی از سوی فروشنده، مسئولیت تضامنی در صورت نقض حقوق فکری، حق فسخ خریدار، ارزش، مطالبه خسارت و تعیین مرجع رسیدگی تخصصی باشد. همچنین تعریف دقیق اصطلاحاتی نظیر «حق مؤلف»، «علامت تجاری»، «پتنت»، «لیسانس» و «مالکیت معنوی» به‌صورت قانونی می‌تواند انسجام

¹ TRIPS

² WIPO

حقوقی بیشتری فراهم آورد. بدین ترتیب، الحاق مقررات یادشده گامی ضروری و رو به جلو در جهت نوسازی نظام حقوق خصوصی ایران و تطابق آن با مقتضیات تجارت نوین بین‌المللی خواهد بود.

• پذیرش کنوانسیون وین توسط ایران جهت ایجاد انسجام در روابط تجاری بین‌المللی

در دنیای امروز، تجارت بین‌المللی نقشی کلیدی در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. در چنین بستری، وجود یک نظام حقوقی هماهنگ و قابل پیش‌بینی برای تنظیم روابط قراردادی میان بازرگانان مختلف کشورها، ضرورتی انکارناپذیر است. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۳، مصوب ۱۹۸۰ در وین، یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی بین‌المللی در این زمینه است که به دنبال یکسان‌سازی قواعد حاکم بر قراردادهای بیع بین‌المللی کالا بین اتباع کشورهای مختلف می‌باشد. این کنوانسیون با عضویت بیش از ۹۵ کشور از جمله اغلب شرکای تجاری ایران (مانند چین، آلمان، ترکیه، روسیه و امارات) به یکی از اسناد پایه در تجارت جهانی بدل شده است. با این حال، ایران هنوز به این کنوانسیون نپیوسته و همین مسئله موجب بروز موانع و عدم انسجام در مبادلات فرامرزی شده است. پذیرش کنوانسیون وین می‌تواند در وهله نخست، سبب ارتقای شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در قراردادهای تجاری شود. یکی از ویژگی‌های بارز این کنوانسیون، ارائه نظامی جامع، مدرن و قابل انعطاف در زمینه تنظیم حقوق و تعهدات طرفین قرارداد بیع است. این نظام با معرفی قواعدی چون الزام به تحویل کالای سالم و بدون ادعای ثالث (مواد ۴۱ و ۴۲)، نظامات مسئولیت فروشنده، فسخ قرارداد، جبران خسارت و سایر ضمانت‌اجراها، توانسته است توازن منطقی میان منافع فروشنده و خریدار برقرار نماید. این امر در مقایسه با برخی ابهامات و پراکندگی‌های موجود در قوانین داخلی ایران، یک مزیت قابل توجه تلقی می‌شود.

از سوی دیگر، پیوستن به کنوانسیون وین نه تنها حقوق ایران را در سطح جهانی ارتقا می‌بخشد، بلکه موجب تسهیل دادرسی‌های بین‌المللی نیز می‌شود. در حال حاضر، به‌علت عدم عضویت ایران، در صورت بروز اختلاف میان تجار ایرانی و شرکای خارجی، غالباً طرف خارجی خواهان اجرای کنوانسیون وین می‌شود و اگر ایران آن را نپذیرفته باشد، مجبور به

³ CISG

پذیرش حقوق کشور مقابل یا شرط داوری در نظامی بیگانه خواهد بود. این عدم توازن می‌تواند منجر به افزایش ریسک‌های حقوقی برای فعالان اقتصادی داخلی و همچنین محدودیت در جذب سرمایه‌گذاران خارجی شود.

پذیرش کنوانسیون همچنین می‌تواند گامی مؤثر در جهت هم‌راستایی با اسناد بین‌المللی دیگر نظیر کنوانسیون نیویورک در خصوص داوری تجاری، اصول یونیدروا و قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی^۴ باشد که بسیاری از آن‌ها با مفاهیم و قواعد مندرج در CISG هم‌افزایی دارند. افزون بر این، بسیاری از احکام این کنوانسیون با مبانی فقهی و حقوقی ایران قابل تطبیق است؛ به‌ویژه در اصول کلی چون لزوم وفای به عهد، تسلیم مال مبیع بدون منازعه، اصل لاضرر و... که در فقه اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در نهایت، نباید از نقش مثبت پذیرش کنوانسیون در ارتقاء تصویر بین‌المللی نظام حقوقی ایران غفلت کرد. در دنیای پرقابلیت اقتصادی، کشورهایی که با رویکرد حقوقی منسجم و منطبق بر استانداردهای جهانی وارد تعاملات بین‌المللی می‌شوند، از اعتماد بیشتر شرکای تجاری برخوردار می‌گردند. چنین اقدامی می‌تواند نشانه‌ای از عزم ایران برای تعامل مثبت، گسترش تجارت، جذب سرمایه و کاهش ریسک‌های حقوقی در بازار جهانی باشد. در نتیجه، پذیرش کنوانسیون وین نه تنها یک گام حقوقی بلکه حرکتی راهبردی در راستای رشد و تثبیت جایگاه ایران در اقتصاد جهانی است. به‌کارگیری این فرصت مستلزم تصمیم‌گیری سنجیده قانون‌گذار و همکاری میان نهادهای اجرایی، تجاری و حقوقی کشور خواهد بود.

• آموزش و تفسیر دقیق‌تر قواعد مسئولیت مدنی در خصوص فروش

مال غیر

یکی از چالش‌های حقوقی مهم در نظام حقوقی ایران، مسئله فروش مال غیر و مسئولیت مدنی ناشی از آن است. این پدیده، به‌ویژه در معاملات اموال غیرمنقول و در فضای پیچیده روابط تجاری مدرن، بارها موجب تضییع حقوق خریداران شده است. از همین رو، ضرورت آموزش و تفسیر دقیق‌تر قواعد مسئولیت مدنی در این حوزه، از اولویت‌های اصلاحی نظام حقوقی محسوب می‌شود. در حقوق ایران، فروش مال غیر به‌طور کلی به دو حوزه مرتبط است: نخست، مسئولیت کیفری فروشنده به‌عنوان مرتکب جرم

^۴ ICC

«فروش مال غیر» (در مواردی که سوءنیت و علم به تعلق مال به غیر احراز گردد) و دوم، مسئولیت مدنی وی در قبال خریدار به دلیل نقض تعهدات قراردادی یا اصول عام مسئولیت مدنی. در این میان، موضوع مسئولیت مدنی، حوزه‌ای است که هنوز در رویه قضایی و آموزش‌های حقوقی به‌طور کامل و شفاف تبیین نشده است.

مطابق اصول کلی مسئولیت مدنی مندرج در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، هرکس بدون مجوز قانونی به دیگری زیان وارد آورد، مکلف به جبران آن است. فروشنده‌ای که مالی را که مالک آن نیست یا متعلق به غیر است به دیگری منتقل می‌کند، مصداق بارز این ماده است. اما بسیاری از قضات و دانش‌آموختگان حقوق، صرفاً به مبانی قراردادی چون خیار تبعض صفقه یا فسخ به سبب تدلیس بسنده می‌کنند و به ساختار منسجم‌تر مسئولیت مدنی در این خصوص توجه ندارند. از این‌رو، نیاز است که در آموزش حقوقی، تفاوت میان ضمان ناشی از عقد (مانند ارض یا فسخ) و ضمان ناشی از فعل زیان‌بار مورد توجه قرار گیرد. فروش مال غیر، به‌ویژه زمانی که با علم و عمد همراه باشد، واجد وصف یک فعل زیان‌بار است که ممکن است موجب ورود خسارت‌های فراتر از ارزش عینی مبیع به خریدار شود؛ مانند محرومیت از فرصت اقتصادی، تحمل هزینه‌های دادرسی، یا حتی لطمه به اعتبار تجاری. برای چنین ضررهایی، ضمانت اجراهای قراردادی کفایت نمی‌کند و باید آموزه‌های مسئولیت مدنی فعال شود.

نکته مهم دیگر، ضرورت تبیین وضعیت خریدار حسن‌نیت است. در مواردی که خریدار با اعتماد به ظاهر امر و بدون اطلاع از تعلق مال به غیر، اقدام به معامله کرده، باید نظام مسئولیت مدنی حمایت کامل‌تری از وی به عمل آورد. در عین حال، در صورتی که فروشنده جاهل به مالکیت غیر باشد، تفکیک میان تقصیر و بی‌تقصیری وی، نقش مهمی در تعیین دامنه مسئولیت دارد. همچنین باید در آموزش حقوقی به قاعده «ضمان ید» و کاربرد آن در فروش مال غیر توجه ویژه‌ای داشت. این قاعده که از فقه اسلامی اقتباس شده، مبنای مهمی برای مسئول شناختن متصرفان و ناقلان مال غیر است. اما کاربرد آن در معاملات امروزی و روابط پیچیده‌تر، نیازمند بازاندیشی و تفسیر روزآمد است؛ تا از تعارض آراء و برداشت‌های متفاوت در رویه قضایی جلوگیری شود. به‌طور کلی، تقویت آموزش مباحث حقوق مدنی با تمرکز ویژه بر مسئولیت مدنی ناشی از فروش مال غیر، از طریق بازنگری در

سرفصل‌های درسی دانشگاهی، تدوین دستورالعمل‌های قضایی و تفسیرهای مشورتی از سوی مراجع ذی‌صلاح، می‌تواند موجب ایجاد وحدت رویه و تضمین بهتر حقوق طرفین قرارداد گردد. این امر به‌ویژه در راستای افزایش شفافیت در معاملات و اعتمادسازی در فضای اقتصادی، ضرورت دوچندان دارد.

در مجموع، تفاوت اصلی میان دو نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در میزان انعطاف‌پذیری، تنوع ضمانت اجراها و تأکید بر رضایت و آگاهی خریدار نهفته است. ایران با تکیه بر مبانی سنتی فقهی، حمایت نسبی از خریدار را دنبال می‌کند، در حالیکه کنوانسیون با رویکردی نوین، توازن میان طرفین و حمایت مؤثرتر را ممکن می‌سازد.

نتیجه‌گیری

مبحث ادعای ثالث نسبت به مبیع، یکی از چالش‌های عمیق و اثرگذار در حقوق قراردادهای به‌ویژه در حوزه بیع است؛ چراکه این ادعا مستقیماً به تعهد بنیادین فروشنده در تحویل مبیع سالم، بی‌مانع و با امکان بهره‌برداری کامل برای خریدار مربوط می‌شود. در بررسی تطبیقی نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مشخص شد که هر دو نظام به‌گونه‌ای متناسب با مبانی نظری خود، در تلاش برای تأمین عدالت قراردادی و حمایت از حقوق خریدار در برابر نقض این تعهد هستند. با این حال، تفاوت‌هایی بنیادین در ماهیت، ساختار و ضمانت اجرای این تعهدات وجود دارد که بررسی آن‌ها می‌تواند راهگشای اصلاح و توسعه نظام حقوقی داخلی نیز باشد.

الف) در حقوق ایران

➤ مبنای ضمانت اجرا

در حقوق ایران، اصولاً هر بیعی که بر مالی صورت گیرد که متعلق به غیر است، در صورت عدم تنفیذ توسط مالک واقعی، فاقد آثار حقوقی خواهد بود. ماده ۱۹۵ قانون مدنی با اشاره به اینکه "اگر کسی مالی را که متعلق به غیر است بفروشد، بیع فضولی است"، چنین معامله‌ای را در زمره معاملات غیرنافذ طبقه‌بندی می‌کند. ضمانت اجرای چنین معامله‌ای در ابتدا «عدم نفوذ» است و نه «بطلان»، مگر آنکه خریدار از تعلق مبیع به غیر مطلع بوده و قصد تملک مال غیر را داشته باشد که در آن صورت، بیع به‌لحاظ قانونی و اخلاقی نیز دچار اشکال جدی خواهد بود.

➤ مسئولیت فروشنده

ماده ۳۹۱ قانون مدنی فروشنده را مکلف به ضمان در صورت استحقاق ثالث می‌داند. بر اساس این ماده، اگر بعد از تسلیم مبیع، معلوم شود که شخص ثالثی نسبت به تمام یا قسمتی از مبیع حق دارد، خریدار می‌تواند از حق فسخ یا مطالبه ارزش استفاده کند. این قاعده مبتنی بر ضمان معاوضی و لزوم اجرای کامل تعهدات قراردادی است. با این حال، ضعف اصلی در حقوق ایران آن است که قواعد آن غالباً در قالب مفاهیم سنتی مانند خیار فسخ یا تدلیس بررسی شده و نظام جبران خسارت ناشی از فعل زیان‌بار (به‌ویژه در قالب قواعد مسئولیت مدنی موضوع قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹) به‌صورت منسجم در این حوزه به‌کار نرفته است. بدین ترتیب، در پرونده‌هایی که

خسارات وارده به خریدار فراتر از قیمت مبیع باشد (مانند از دست رفتن فرصت‌های تجاری، پرداخت هزینه‌های دادرسی و غیره)، چالش‌های حقوقی جدی ایجاد می‌شود.

➤ وضعیت خریدار حسن نیت

خریدار در نظام حقوقی ایران در صورتی که حسن نیت داشته و نسبت به تعلق مال به غیر آگاهی نداشته باشد، می‌تواند با استناد به قواعد فقهی مانند «قاعده ید» و اصل «عدم تبرع» از حمایت قانونی بهره‌مند شود. ولی در رویه قضایی در بسیاری از موارد، میزان حمایت از خریدار حسن نیت روشن و شفاف نیست. به‌ویژه در مورد املاک ثبت‌نشده یا اموالی که سابقه‌ی تصرفات متعدد دارند، دادگاه‌ها گاهی دیدگاه‌های متفاوتی اتخاذ می‌کنند.

➤ خلأهای قانونی

یکی از مشکلات بارز حقوق ایران، فقدان قواعد مشخص در خصوص تفاوت بین «ادعا» و «حق قطعی» شخص ثالث است. یعنی اگر شخص ثالث صرفاً ادعایی مطرح کند اما دادگاه بعداً آن را نپذیرد، آیا فروشنده باز هم مسئول است؟ این مسئله در حقوق ایران به صراحت تعیین تکلیف نشده و غالباً به برداشت قضات واگذار شده است. همچنین در مورد تعامل قواعد عمومی قراردادها با اصول مسئولیت مدنی در زمینه فروش مال غیر، هنوز وحدت نظری وجود ندارد. نبود قانون صریح در این زمینه باعث ایجاد تشتت در آرای قضایی و کاهش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی برای طرفین قرارداد می‌شود.

(ب) در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

➤ ساختار و شفافیت قواعد

مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا صراحتاً فروشنده را مکلف می‌سازد که کالایی را تسلیم کند که عاری از هرگونه حق یا ادعای ثالث باشد. نکته کلیدی در کنوانسیون آن است که صرف وجود «ادعای جدی» کافی است تا خریدار بتواند از فروشنده درخواست رفع مزاحمت یا فسخ قرارداد نماید؛ حتی اگر در نهایت دادگاه یا مرجع صالح ادعای ثالث را نپذیرد.

➤ عنصر آگاهی و نقش آن

بر خلاف حقوق ایران، کنوانسیون به عنصر «آگاهی» خریدار از ادعای ثالث توجه ویژه‌ای دارد. چنانکه در ماده ۴۲ آمده است: «فروشنده مسئول هرگونه

ادعای مبتنی بر حق مالکیت یا حقوق دیگر شخص ثالث خواهد بود، مگر آنکه در زمان انعقاد قرارداد، خریدار از چنین ادعاهایی آگاه بوده و آن را پذیرفته باشد». این رویکرد ضمن افزایش پیش‌بینی‌پذیری، نوعی تعادل در بار مسئولیت میان فروشنده و خریدار ایجاد می‌کند.

➤ تنوع ضمانت اجرا

در کنوانسیون، خریدار می‌تواند در صورت نقض این تعهد، اقدام به فسخ قرارداد، مطالبه خسارت، درخواست تسلیم مال بدون مزاحمت یا حتی کاهش ثمن نماید (مواد ۴۵ تا ۵۲). این انعطاف‌پذیری در انتخاب ضمانت اجراها، یکی از مزایای حقوقی CISG در مقایسه با قوانین ملی به‌شمار می‌رود.

➤ دیدگاه رویه بین‌المللی

در تفسیر مقررات کنوانسیون، همواره رویه قضایی بین‌المللی و آراء دادگاه‌های کشورهای مختلف به‌عنوان منبع مهم مورد استناد قرار می‌گیرند. این رویکرد در مقایسه با نظام حقوقی ایران که کمتر از رویه قضایی استفاده می‌کند، موجب توسعه تدریجی مفاهیم حقوقی و افزایش انسجام در اجرای مقررات می‌شود.

ج) تحلیل تطبیقی و پیشنهادها

با مقایسه میان حقوق ایران و کنوانسیون، می‌توان به نکات زیر دست یافت:

- اول آنکه حقوق ایران بیشتر بر مبنای نظریه‌های سنتی بیع و تعهدات ناشی از قرارداد بنا شده و ضمانت اجراها محدود به مواردی چون خیار فسخ یا ارجح است، در حالیکه کنوانسیون با رویکردی نوگرا، تنوعی از ضمانت اجراها را در اختیار خریدار قرار می‌دهد
- دوم؛ در کنوانسیون عنصر «ظاهر» و «آگاهی طرفین» نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، ولی در حقوق ایران، چنین عناصری کمتر مورد توجه صریح قانون‌گذار قرار گرفته است
- سوم؛ فقدان وحدت رویه در قضایای مشابه در دادگاه‌های ایران، در برابر انسجام رویه بین‌المللی کنوانسیون، یکی از مشکلات مهم برای فعالان اقتصادی داخلی و خارجی است

• چهارم؛ کنوانسیون تلاش کرده تعادل را میان امنیت حقوقی و منطق تجاری برقرار کند، اما حقوق ایران گاه بیش از حد بر اصول سستی پایبند مانده و انعطاف لازم برای شرایط تجاری نوین را ندارد

در نتیجه، نظام حقوقی ایران برای افزایش کارآمدی، پیش‌بینی‌پذیری و اعتبار خود در سطح معاملات بین‌المللی، نیازمند بازنگری در برخی مقررات خود به‌ویژه در حوزه ادعای ثالث بر مبیع است. استفاده از تجربه کنوانسیون و تلفیق آن با اصول مسلم فقهی و حقوق مدنی می‌تواند نقطه عزیمت مناسبی برای اصلاح قوانین در این حوزه باشد. در نهایت می‌توان چنین گفت که ادعای ثالث بر مبیع نه تنها یک مسئله فنی حقوقی، بلکه موضوعی بنیادین در تحقق عدالت قراردادی و حفظ تعادل منافع میان طرفین است. نظام حقوقی ایران با اتکا بر اصول فقهی، در زمینه حقوق مالکیت و حمایت از مالک واقعی، ساختار محکمی دارد؛ اما در حوزه حمایت از خریدار حسن‌نیت، تنوع ضمانت اجرا و شفافیت در معیارهای تشخیص مسئولیت، نیازمند تحول و بازنگری است. از سوی دیگر، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به دلیل ماهیت بین‌المللی و رویکرد عمل‌گرایانه خود، موفق شده ساختاری منطقی، شفاف و متوازن برای مقابله با ادعاهای ثالث ایجاد کند. پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ایرانی، با بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و تلفیق آن با موازین داخلی، به تدوین مقرراتی شفاف‌تر، قابل پیش‌بینی‌تر و هماهنگ با تحولات روز اقدام کند. همچنین آموزش حقوقی، رویه قضایی و پژوهش‌های حقوق تطبیقی باید به‌گونه‌ای گسترش یابند که زمینه فهم بهتر و کاربست مؤثرتر این مفاهیم در محیط حقوقی ایران فراهم شود.

منابع

- اسلامی، علی. (۱۴۲۵ ق). ترجمه تحریرالوسیله. قم: دفتر انتشارات حوزه علمیه قم.
- امامی، سیدحسین. (۱۳۷۰). حقوق مدنی. تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- بازگیر، یدالله. (۱۳۸۲). قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور: بیع و احکام راجع به آن. تهران: انتشارات فردوسی.
- بروجردی عبده، محمد. (۱۳۸۰). حقوق مدنی. تهران: انتشارات گنج دانش.
- بنی‌یعقوب، جواد. (۱۳۷۹). فرهنگ واژگان و اصطلاحات حقوقی - اقتصادی - اداری. تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۳). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.

ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۳). حقوق تجارت. تهران: نشر دادگستر.

صفایی، سید حسین (۱۳۸۴). حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

صفایی، سید حسین. (۱۴۰۰). دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها). تهران: نشر میزان.

تفرشی، محمدعیسی. (۱۳۷۶). اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر ورشکسته با توجه به اصول و مبانی قانون مدنی. فصلنامه مدرس، ۵، تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). قواعد عمومی قراردادها (جلد سوم: آثار قرارداد). تهران: شرکت سهامی انتشار.

امامی، سید حسن (۱۳۷۳). حقوق مدنی (جلد دوم: تعهدات). تهران: انتشارات اسلامی.

شهیدی، مهدی (۱۳۹۴). بیع در حقوق ایران. تهران: نشر مجد.

صفایی، سید حسین (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات میزان.

نصیری، مهدی (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی ضمانت اجرای نقض تعهدات فروشنده در بیع بین المللی کالا و حقوق ایران. مجله تحقیقات حقوق تطبیقی، ۱۰(۲)، ۱۰۱-۱۲۰.

پورحسینی، محمد (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی ادعای ثالث در بیع با تأکید بر کنوانسیون وین ۱۹۸۰. فصلنامه دانش حقوق خصوصی، ۷(۱)، ۵۹-۷۸.

استناد:

زارعشاهی، علی، محقق داماد، سید مصطفی، موسوی، سید محمد صادق. ضمانت اجرای حقوقی ادعای ثالث نسبت به مبیع در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا-وین ۱۹۸۰، فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران ۱۴۰۴،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.525306.1287>